

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش از: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۰۶ دسمبر ۲۰۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسیدن عیب نیست، ولی ندانستن عیب است!

به طور عام معمول است که پرسیدن عیب نیست، ولی ندانستن عیب است! شناختن من هم به این مسأله چنین است که ندانستن هم در امکانات موجود عیب است اگر ما از دین خود از اعتقادات شرعی خویش و اساس باور های خویش آگاهی متناسب نداشته باشیم. کسب علم و فهم درست دینی و امور شرعی از جمله مباحث حلال و حرام و جیبه دینی هر شخص مسلمان است و کسب این دانش، به علاوه آن سبب مسرت و یافتن راه درست می گردد.

بلی جای شک نیست که سؤال کردن و شنیدن و یا فهمیدن سؤال و جواب آن حق هر انسان است. این حق را قرآن عظیم الشان با جملات زیبا و معجزه آسای خویش چنین بیان و فورمولبندی نموده است: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (سوره النحل: آیه ۴۳) (از اهل علم و اهل دانش سؤال به عمل آرید درباره آنچه را که نمی دانید)

تعلیمات قرآنی با تمام وضاحت و صراحت بیان فرموده است که انسانها (اعم از مسلمانان و غیر مسلمان) حق دارند، تا غرض کسب علم و دانش در عرصه های مختلفی زندگی از جمله مسایل سیاسی، عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی از خُبرا، علماء و مسؤولین فن سؤال و استفسار به عمل آرند. ولی نباید فراموش کرد که سوالات انحرافی که به منظور تخریب اذهان اعتقادی جامعه باشد و سوالاتی که افکار عمومی جامعه را به گمراهی و ضلالت سوق دهد، از این قاعده مستثنی است.

قاعده طرح سوالات که در بخش اکادمیک مطرح شدنش بهتر با طرح سوالات در مراجع عام نیز متفاوت است. پرداختن به سوالات بدون دانش ابتدائی در بخشی از مسایل ابتدائی و پافشاری بر آن نیز قابل مکث و دقت اند. بناءً بخشی از برداشت های اصح و حکم شرعی اصح چنین است که سوالاتی که خاصاً در مسایل اعتقادی و بدون دانش ابتدائی از موارد مقدماتی آن که موجب شر و فساد در یک جامعه خاصاً در بین عوام الناس شود، شرع اسلامی از آن ممانعت مطلق و جدی به عمل آورده است. قرآن عظیم الشان (در آیت ۱۰۱ سوره المائده) مثال واضح را در این باب با زیبایی خاصی بیان نموده و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَّلَ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (ای کسانی که ایمان آورده اید! از زیاد سؤال کردن جلوگیری به عمل

آرید، زیرا دانستن همه چیز گاهی به ضرر و زیان شما تمام می‌شود و یا ذهن و وجود انسان طاقت و ظرفیت دانستن اسرار آفرینش و هستی را ندارد.)

مفسرین می‌نویسند که آیت « **لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ...** » زمانی نازل شد که آیت « **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** » نازل گردید، برخی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم از فحوای این آیت مبارک طوری تعبیر و تفسیر نمودند که اجل پیامبر صلی الله علیه وسلم قریب است، لذا با عجله سؤالاتی پی در پی را درباره مسایلی مطرح نمودند، وقت وقوع این حوادث قبل از وقت بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم ترسید که این پرسشها و استفسارها مبادا باعث نزول احکام و ایجاد تکالیف فراوان و باعث دردسر آنان خواهد شد، بناءً آنان را از سؤال کردن و پرس و پال همچو سؤالات منع داشت، طوری که حکم آسمانی نیز در این بابت نزول یافت و به لفظ « **لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ...** » **تأکید به عمل آمد.**

ولی باید گفت که به هیچ صورت این آیت متبرکه مانع سؤالات منطقی و آموزنده و سازنده نبوده و نمی‌باشد، بلکه ممانعت مربوط به سؤالات نابجا و جست و جو از اموری است که نه تنها مورد نیاز نیست، بلکه مکتوم ماندن آنها بهتر و حتی گاهی لازم هم است. (از جمله پرسیدن از عیوب دیگران اوضاع و احوال مردگان و سرنوشت دوباره آنها، نوع از برپائی قیامت، حتی برخی از مفسرین می‌فرمایند که مخفی ساختن مریضی سخت و خطرناک کشنده از مریض و یا هم سرنوشت مستقبل ما انسانها و غیره ...).

باید گفت که صداقت خوب است؛ ولی به یاد داشته باشیم که صراحت، همه جا و در هر مورد و برای هر کس مفید هم نیست. حتمی نیست تمام آنچه از خطرات را که مثلاً قومندان فرقه می‌داند تمام سربازان از آن آگاهی حاصل نمایند.

مفسر شهیر جهان اسلام حضرت ابن عباس و حضرت ابوهریره و حسن بصری و قتاده و طاووس و سدی در شأن نزول (آیت ۱۰۱ سوره المائده) می‌فرمایند: شخصی به نام عبدالله از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که یا رسول الله پدر من کیست؟ و این مرد از افرادی بود که دارای حسب و نسب صحیحی نبود و از این حیث مورد طعن و سرزنش مردم قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم در جوابش فرمود: پدر تو حذافه است سپس این آیه نازل گردید. این روایت در صحیح بخاری از انس بن مالک نیز روایت شده است.

مفاهیم عالی که از آیت متبرکه به دست می‌آید این فهم را برای ما می‌رساند:

دانستن هر چیزی، نه لازم است و نه مفید، بلکه ما باید به تعقیب آنچه از موضوعات علمی باشیم که فهم و دانستن آن برای ما و مجتمع ما مفید و مؤثر باشد.

بناءً کنج کاوی های خرده وریزه در برخی از احکام دینی، بدون معلومات دقیق و مسلکی در مورد احکام قرآنی و احادیث نبوی، جز دشوار کردن دین و سنگین کردن بار تکلیف نتیجه دیگری را به بار نخواهد آورد.

مفسرین برای توضیح بیشتر (آیت ۶۷ سوره بقره) مثال آورده و مینویسند:

در زمان حضرت موسی علیه السلام در قوم بنی اسرائیل قتلی به وقوع پیوست و یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی یکتن را به قتل رسانید، از این که قاتل نامعلوم حادثه سبب آن شد تا در بین قبایل اسباط بنی اسرائیل نزاع شدید به راه افتد، هر یک آن را به طایفه و افراد قبیله دیگر نسبت می‌دادند و قوم و قبیله متعلق خویش را از قتل تبرئه می‌کردند، بناءً رهبران قبایل مختلف برای حل و فصل این قضیه و ختم خصومت های قومی نزد حضرت موسی رفتند تا حل مشکل را از وی طلب کنند، زیرا حل این قضیه از طریق عادی غیر ممکن به نظر می‌رسید و از جانب دیگر ادامه آن کشمکشها و اختلافات قومی منجر به فتنه عظیمی در میان بنی اسرائیل می‌گردید، حضرت موسی علیه و السلام با استمداد از لطف پروردگار خواستار حل مشکل می‌گردد.

قرآن عظیم الشان می فرماید: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَ تَتَّخِذُنَا هُزُوعًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می‌فرماید ، ماده گاو را ذبح کنید (و قطعه‌ای از بدن) آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، که به این ترتیب مقتول به امر الهی به گپ زدن می آید و قاتل خویش را معرفی کند و به این ترتیب فتنه خاموش گردد.)»

قوم به حضرت موسی گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» (موسی علیه السلام) در جواب شان گفت: «به خدا پناه می‌برم از این که از جاهلان باشم!» یعنی مسخره کردن کار جاهلان است و من به خدا پناه می‌برم که از جاهلان باشم. «أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ»

در این داستان به وضاحت تام در می یابیم که حضرت موسی (ع) بعد از حادثه قتل و به منظور پیدا کردن قاتل و ختم نزاع و خانه جنگی قومی در بین قبایل مختلف به بنی اسرائیل در حادثه متذکره امر فرمودند که بروید به اساس حکم پروردگار گوساله‌ای را قربانی کنید و ... ، اگر واقعاً مردم هدایت و دستور پیامبر خویش را می شنیدند ، و خود را از فتنه نجات می دادند ، باید از امر الهی و پیامبر خویش اطاعت می نمودند و به قربانی و ذبح یک گوساله‌ای بدون چون و چرا اقدام می کردند ، که در آن صورت مشکل موجود بین شان حل می شد، و قوم به سرگردانی زیاد و بیمورد مواجه نمی شد، ولی دیده شد که طرح سؤالات بیمورد قوم را چگونه به سرگردانی های بی مورد مواجه ساخت و در نهایت کار را بر خود و حل مشکل قومی خویش دشوار ساخت .

قوم بنی اسرائیل پرسیدند: این گوساله نر باشد یا ماده، این گوساله چاق باشد یا لاغر، این گوساله دارای چه رنگی باشد، در میان کدام گله از گوساله ها باشد و ...، پس این قوم مجبور شدند دنبال چنین گوساله‌ای باین مشخصات سرگردان و لالهند بگردند.

خواننده محترم !

همچنان در برخی از اوقات دایره برخی از سؤالات در مستوی مطرح بحث می یابد که درک و فهم این سؤال از فهم علمی سؤال کننده و بدون فهم مراحل و پله های اولی کسب معرفت بوده و توان جذب و اخذ را برای آخذ سؤال کننده مشکل، در موارد گمراه کننده و یا حتی ناممکن می سازد. در این مورد فهم و دستور العمل شرع همین است : که آنده از سؤالاتی که از عقل شما و از فهم علمی و از درک آن عاجز می باشید، همچو سؤالات را اصولاً نباید مطرح کرد .

مفسرین در این بابت (آیت ۸۵ سوره الإسراء) را برای توضیح بیشتری مثال می آورند: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (و در باره روح از تو می‌پرسند، بگو: روح از امر و فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.)

ملاحظه خواهید فرمود که در این آیت یکبار دیگر از سؤال کردن بی‌مورد، بی‌جا و بی‌فایده و خارج از مستوی علمی منع به عمل آمده و تأکید شده که در مطرح کردن همچو سؤالات انسان خود را به زحمت و تشویش های بی مورد واضطراب مواجه می سازد بهترین راه و وسیله حکمیانه برای انسان اینست:

انسان به علم ، تحقیق و مطالعه مراجعه نماید ، برای خود سؤالاتی را مطرح و جهت یافتن جوابات صحیح، کسب علم نموده و مرتبه و منزلت خویش را در جامعه ارتقاء دهد. قابل توجه در این است که انسان کوشش به عمل آرد تا ذهن نیز ، مانند سایر قواء و استعدادهایش ، تحت فرمان و کنترولش قرار گیرد، و در مسیر سالم سوق داده شود .
مؤرخین و سیرت نویسان می نویسند:

در زمان رسول الله صلی اله علیه وسلم، تعداد از صحابه از رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره این که قیامت چه وقت بر پا می گردد ، سؤالات متعددی را به عمل می آورند جواب و توضیحات همیشگی رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان

منطق قرآنی بود و در جواب آن می فرمود: «يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ فَلَنْ إِنَّمَا عَلِمَهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا» (سوره الأحزاب: آیت ۶۳) ((ای پیغمبر!)) مردم از تو درباره برپا شدن قیامت می پرسند، بگو: آگاهی از آن، اختصاص به الله دارد و بس. (و کسی جز او از این موضوع مطلع نیست). تو چه می دانی، شاید هم فرا رسیدن قیامت نزدیک باشد.)

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا * فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا * إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا»

(سوره النازعات: آیات: ۴۲ - ۴۴) (از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ تو را چه آگهی و خبر از آن؟! (تو چیزی از آن نمی دانی) آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می گردد (و اطلاع از وقوع آن کار پروردگار تو است؛ نه تو).

همچنان در حدیثی که آن را حضرت آبی هریره رضی الله روایت فرموده آمده است:

«خطبنا رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: «أيها الناس قد فرض الله عليكم الحج فحجوا» ، فقال رجل: «أكل عام يا رسول الله؟» فسكت ، حتى قالها ثلاثا ، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (لو قلت نعم لوجبت ، ولما استطعتم) ثم قال:

(ذروني ما تركتكم ؛ فإنما هلك من كان قبلكم بكثرة سؤالهم ، واختلافهم على أنبيائهم ، فإذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم ، وإذا نهيتكم عن شيء فدعوه).

در یکی از روز ها پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره فرضیت حج برای صحابه خطبه ارائه داشت درحین خطبه یکی از صحابه از رسول الله صلی علیه وسلم سؤالی به عمل آورد وگفت: یا رسول الله: آیا فرضیت حج بالای مسلمانان در هر سال می باشد ویا خیر؟ او در جوابش فرمود که شرعیت کم کردن تکلیف را می خواند. «(لو قلت نعم لوجبت ، ولما استطعتم) ثم قال: (ذروني ما تركتكم ؛ فإنما هلك من كان قبلكم بكثرة سؤالهم ، واختلافهم على أنبيائهم ،» اگر می گفتم که بلی پس فرضیت حج بالای مسلمانان همه ساله بود، تا وقتی که من به شما وضاحت نکنم پس شما هم از من طلب واضح نمودن آن را نکنید زیرا مردمان قبل از شما به سبب مطرح کردن سؤالات زیاد از پیامبران شان هلاک شده بودند .

همچنان در حدیث دیگری که ذکر آن در بخاری و مسلم به روایت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه است آمده است :

«إِنَّ أَعْظَمَ الْمَسْئَلِ فِي الْمُسْلِمِينَ جَرْمًا مَنْ سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ لَمْ يُحْرَمْ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، فَحَرَّمَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَجْلِ مَسْأَلَتِهِ! إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تَضِيعُوا هَآ وَحُدُودَ آ فَلَا تَعْتَدُوا هَآ حَرَامَ أَشْيَاءٍ فَلَا تَنْتَهِكُوا هَآ وَسَكَتَ عَنِ أَشْيَاءٍ رَحِمَهُ لَكُمْ مِنْ غَيْرِ نَسِيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا» (متفق علیه) روایت احمد بخار و مسلم ابو داود

مسلمانان متخلف و گنهگار کسی است در باره آن چیز سؤال کند که بالای مسلمان حرام نبود ولی به خاطر سؤال نمودن او بالای شان حرام شد الله تعالی فرایضی را مقرر کرده پس آن را ضایع نکنید و حدود را تعیین نموده از آن تجاوز نکنید و چیز هائی را حرام کرده آن را اشکار نموده و از چیز هائی خاموش اختیار نموده ، به سبب مهربانی نه به این سبب که آنرا فراموش نموده پس در آن دیگر بحث نکنید (این در وقت آمدن احکام بود و حال خو آنزمان نیست) .

و همچنان در حدیث دیگری آمده است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ صَخْرٍ (رض) قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) يَقُولُ: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَاجْتَنِبُوهُ وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسْئَلِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ (حدیث شماره:)، وَمُسْلِمٌ (شماره: ۱۳۳۷).

در حدیثی دیگر از ابو هریره عبدالرحمن بن صخر(رض) روایت است که شنیدم رسول الله(صلى الله عليه وسلم) می فرمایند: «از چیزی که شما را نهی کردم از آن دوری کنید، و آنچه را که به شما فرمان دادم هر قدر از آن را که می

توانید انجام دهید، زیرا مردمانی که پیش از شما بودند به علت مطرح کردن سؤالات و پرسش متعدد آنها و مخالفتشان با پیامبران خویش به هلاکت رسیدند». صحیح بخاری حدیث شماره (۷۲۸۸) و صحیح مسلم حدیث شماره (۱۳۳۷).
هكذا در حدیثی دیگری آمده است: «ان الله حرم ثلاثا و نهی عن ثلاث حرم عقوق الوالد و وأد البنات و لا وهات و نهی عن ثلاث قیل و قال و كثرة السؤال و اضااعة المال» همانا الله تعالی سه چیز را حرام و از سه چیز نهی کرده: نافرمانی پدر و زنده به گور کردن دختر و بی‌حکمتی را حرام کرده و از قیل و قال (اختلاف) و زیاد سؤال کردن و ضایع کردن مال نهی کرده است. (مسلم)

خواننده محترم!

طوری که در فوق هم یاد آور شدیم، در این هیچ جای شک نیست که سؤال کردن به مثابه کلید گنجینه علوم و دانشهای بشری به شمار می رود و طوری که گفتیم پرسیدن عیب نیست، ولی ندانستن عیب شمرده می شود! ولی هدف کلی احکام قرآنی و احادیثی نبوی اینست که سؤالات زیاد در برخی از موارد فایده ای را به بار نمی آورد، و از فحوای آیات قرآنی و احادیثی نبوی طوری می فهمیم که زیاد سؤال کردن در اسلام موجب سرگردانی و در زیادتیری از موارد ضلالت انسانها گردیده و این روش مورد پسند انبیاء و پیامبر صلی الله علیه وسلم نمی باشد، بهتر است مسلمان به جای پرسیدن سؤالاتی که دردی را دوا نمی کنند به دنبال اوامر و نواهی الله تعالی باشند تا با علم بدانها برای خود کسب نیکی و دفع گناه و معصیت نماید.

و مطمئنا کسی که خلاف ارشاد پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل نماید به منفعت دست نمی یابد بلکه خیر و برکت در تمسک جستن به کتاب الله و سنت رسول الله صلی علیه وسلم می باشد.

والله اعلم بالصواب

تتبع و نگارش از: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره-جرمنی